

تاجتھا

پروہہ ہای فقی

دوفصلنامہ علمی - پژوهشی

سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

تجارت بدافزارها از منظر فقه امامی^۱

فاطمه رضایی^۲، حمیدرضا کامل نواب^۳

تاجتھا
پروہہ ہای فقی

تجارت بدافزارها از منظر فقه امامی

چکیده

واژه بدافزار به مجموعه کدها و برنامه‌های مخربی اطلاق می‌شود که توسط طراحان آنها به منظور ایجاد آلودگی، جاسوسی، سرقت یا تخریب اطلاعات دیگر برنامه‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای تولید می‌شود. ماهیت خرابکارانه بدافزارها رویکردی سلبی را در اذهان ایجاد می‌کند، اما با توجه به تنوع کاربری، حکم فقهی تجارت آنها در شرایط متفاوت متغیر است. در یک نگاه واقع‌گرایانه و با عنایت به روایات موجود در مسأله «بیع سلاح»، فروش بدافزار به شیعیان و غیر شیعیان، قابل ارزیابی است. فروش این برنامه‌ها به غیر شیعیان، به عنوان یکی از تسلیحات جنگ سایبری قابل ارزیابی است و حتی در این میان، می‌توان بین

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۲۸

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۸/۲۲

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

rezaeirezaei@mail.um.ac.ir

۳. استاد سطوح عالی حوزه علمیه مشهد و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی

مشهد.
h.kamelnavab@mail.um.ac.ir

اهل کتاب و مسلمانان غیر شیعه و حتی غیر مسلمانانی که اهل کتاب نیستند، قائل به تفصیل در حکم شد. در خصوص فروش بدافزار به شیعیان، با عنایت به جهت و انگیزه طرفین، فروض مختلفی متصور است، به گونه‌ای که هرگاه جهت فروش، میان طرفین، بر امری حلال تعلق گیرد، مباح و حتی در شرایطی با استناد به پاره‌ای قواعد، واجب کفایی است. اما چنانچه جهت حرام بدافزار مدّ نظر باشد، حکم مسأله، حرمت است. البته در صورتی که فروشنده صرفاً از استفاده حرام خریدار اطلاع دارد، ولی قصد استفاده حرام ندارد، حکم به آن وضوح نیست. حکم وضعی آن نیز در موارد جواز تکلیفی و حرمت، صحت است و از این جهت تفاوتی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: مکاسب محرمه، بدافزار، جنگ سایبری، پدافند غیرعامل.

مقدمه

امروزه بخش قابل توجهی از روابط انسان‌ها تحت حاکمیت فضای سایبری قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که میزان توسعه این فضا، به عنوان یکی از نشانه‌های برتری دولت‌ها شناخته می‌شود و وجود آن‌ها نقش تعیین کننده‌ای در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری و حاکمیت کشورها دارد. افزون بر دستاوردهای ناشی از کاربرد این فضا، حملات سایبری به عنوان یکی از تهدیدهای جدی به شمار می‌آید. این حملات، غالباً از طریق طراحی بدافزارها صورت می‌گیرد. البته با عنایت به کاربرد این برنامه‌ها به عنوان ابزارهایی ساختارشکن، منافی هم برای آنها متصور است و لذا می‌توان برای تجارت و استفاده از آن اعتباری نسبی قائل بود. البته منظور از منافع فقط معنای مصطلح آن نیست بلکه در اینجا استفاده از بدافزارها به مثابه ابزاری برای مقابله به مثل، به عنوان یکی از حالات دفاعی هم می‌تواند مدّ نظر قرار گیرد. از این رو با قدم گذاشتن یک فناوری جدید به عرصه جوامع بشری و کاربرد فراوان آن از یک سو و پویایی فقه از سوی دیگر، این پرسش مطرح می‌شود که تکلیف کاربران در زمینه‌های متفاوت در رویارویی با این فناوری جدید که از مسائل مستحدثه به شمار می‌رود چگونه است؟ پرسش‌هایی چون ساخت بدافزار، سفارش ساخت بدافزار، موارد جواز استفاده از بدافزار و مانند آن. در مقاله حاضر تنها به این پرسش پاسخ داده شده است که حکم تجارت بدافزارها، اعم از تکلیفی و وضعی کدام است؟

ماجتا
پژوهش‌های فقهی

شماره ۱۰، پیاپی ۴، زمستان ۱۴۰۰

پیشینه

موضوع این تحقیق پیش از این، در کتاب یا پژوهشی فقهی مورد بررسی قرار نگرفته است. نزدیک‌ترین بحثی که نسبت به این موضوع مطرح شده، بحث فروش تسلیحات جنگی صدر اسلام، مانند شمشیر، نیزه و موارد دیگر است که این بحث در کتب فقهی قدمت زیادی دارد و نیز در روایاتی به خصوص، مورد توجه ائمه طاهرين علیهم‌السلام و اصحاب ایشان قرار گرفته است. آنچه که در این پژوهش بررسی می‌گردد، حکم تکلیفی فروش این گونه برنامه‌ها است که چون تأثیر ثبوتی یا سلبی بر حکم وضعی دارد، بر بحث از حکم وضعی مقدم شده، و از آنجا که طرف معامله، از مسلمان یا غیر مسلمان در این مسأله تاثیرگذار است، این نکته هم در طرح مباحث مذکور لحاظ گردیده است. از جمله مسائلی که باید در بحث مورد مذاقه قرار گیرد، این است که میزان تأثیر گذاری قصد استفاده حرام یا علم به استفاده حرام مشتری در این مقوله به چه میزان است، که بررسی این جهات نیز در این پژوهش منعکس شده است.

مفهوم‌شناسی

«بدافزار» برگردان فارسی واژه «Malware» می‌باشد. «Malware» کلمه‌ای ترکیبی، و از دو کلمه «Malicious» به معنای بدخواهانه و «Software» به معنای نرم افزار تشکیل شده است. ظاهر این عبارت دقیقاً مشخص می‌کند که ماهیت آن چیست. بدافزار، نرم افزاری است که معمولاً بدون اجازه صاحب سیستم نصب می‌شود و به انجام اعمال ناخواسته یا بدخواهانه روی سیستم می‌پردازد. به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت این برنامه‌ها، قطعه کدهایی هستند که توسط برنامه نویسان نوشته می‌شوند تا بدین واسطه، بدون اطلاع و اجازه مالک سیستم، آن را آلوده و اقدام به کارهای ناخواسته یا خرابکارانه کنند. در بیشتر مواقع، واژه و ویروس به عنوان یک عبارت عمومی برای انواع مختلف بدافزار و حمله‌های یارانه‌ای با کدهای بدخواه به کار می‌رود؛ هر چند که از لحاظ تخصصی این دو با هم تفاوت‌هایی دارند.^۱ بدافزارها مشابه ویروس‌های زیست محیطی، گسترش یافته و پس از وارد شدن به رایانه، اقدامات غیرمنتظره‌ای را انجام می‌دهند. این برنامه‌ها می‌توانند از روش‌ها و

مباحث
پژوهشی فقهی

تجارت بدافزارها از منظر فقه امامی

۱. رشتی، رشتی، نیکدل، مجموعه مقالات و گزارشات دربارۀ امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات، ج ۱، ص ۱۷.

تکنیک‌های مختلفی برای اجرای خود استفاده کنند؛ مثلاً بعضی، از سیستم دیگری، به عنوان قربانی برای انجام عملیات تخریب روی دیگر سیستم‌ها استفاده می‌کنند، بعضی اقدام به جمع آوری اطلاعات شخصی کاربران مانند شماره حساب بانکی، رمز عبور و نام‌های کاربری و... می‌کنند و حتی ممکن است باعث تخریب در سیستم کاربران شوند.^۱ بدافزارها را به لحاظ نوع عملکرد می‌توان در دو دسته کلی قرار داد: اول، بدافزارهایی که به صورت مستقل و بدون نیاز به برنامه دیگر می‌توانند روی سیستم عامل اجرا شوند. دوم، بدافزارهایی که برای اجرا، نیازمند میزبان خود هستند و به تنهایی نمی‌توانند فعالیت نمایند.^۲ اولین بدافزارها از نوع ویروس بودند که در اوایل ۱۹۸۰ با هدف خرابکاری در اطلاعات ذخیره شده روی کامپیوترها نوشته شدند. بعد از آن اولین کرم اینترنتی (Internet Worms) در سال ۱۹۸۸ به وجود آمد که هدف اصلی آن آلوده کردن سیستم‌های «SunOS» و «VAX BSD» بود. این کرم، از طریق یک حفره شبکه‌ای در این سیستم عامل‌ها، به آنها حمله کرده و بعد از نفوذ، برنامه مخربی را روی سیستم اجرا می‌کرد. در اوایل سال ۲۰۱۱ به تدریج، نوع خرابکاری‌ها عوض شد و به سودجویی‌هایی منجر شد که هدف اصلی آنها سوء استفاده از کامپیوترها به عنوان «Zombie» بود. از سال ۲۰۱۳ به بعد، بدافزارهای جاسوسی نیز مشتاقان زیادی پیدا کرد و دزدی اطلاعات به شدت محبوب شد.^۳ با بررسی تاریخچه کوتاه ساخت بدافزارها می‌توان به این مسأله پی برد که بدافزارها انواع گوناگونی دارند و در مقاطع زمانی تغییراتی داشته‌اند که با توجه به نوع‌شان، نام‌هایی به خود اختصاص داده‌اند.^۴

حکم تکلیفی فروش بدافزارها

جنگ، به عنوان سخت‌ترین شکل تقابل بین کشورها در چهارمین نسل خود، از یک درگیری تک بعدی به یک رویارویی همه جانبه، در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فناوری تبدیل شده است. بنابر این تجهیز ارتش‌ها به آخرین تسلیحات نظامی به تنهایی برای مقابله

۱. محمودی، بهترین روش‌های مبارزه با ویروس‌های کامپیوتری، ص ۱۶.

۲. داوری، «همه چیز در مورد بدافزار»، پدافند غیرعامل، ش ۱، صص ۴۷-۴۶.

۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد تاریخچه بدافزارها رجوع شود به: عزیزی، تاریخچه ویروس‌های کامپیوتری.

۴. جان آیکوک، ویروس‌ها و بدافزارهای کامپیوتری، ترجمه بشیری راد و جیبی لشکری، صص ۱۹-۳۰.

با این تهدیدهای نوظهور کفایت نمی‌کند. با توجه به تغییر ماهیت سیاست‌گذاری کشورها در نحوه تعاملات خود با دیگران، می‌توان ادعا نمود که امروزه بسیاری از کشورها از هر ابزاری برای تحقق منویات سیاسی خویش استعانت می‌جویند.

بدون شک بدافزارها، یکی از مهم‌ترین ابزارهای خصمانه هستند که در عرصه جنگ سایبری مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته‌اند. پس می‌توان ادعا کرد که بدافزارها در عصر جدید، نوعی از تسلیحات پیشرفته محسوب می‌شوند که دولت‌ها علیه یکدیگر به کار می‌برند. با این مقدمه، این نوشتار در مقام پاسخ‌گویی به این مسأله است که حکم فروش بدافزارها به غیر شیعیان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان و اعم از افراد و دول اسلامی یا غیر اسلامی چیست؟ همانطور که در مقدمه گذشت، شبیه‌ترین بحثی که تناسب با موضوع این پژوهش دارد، مبحث فروش تسلیحات نظامی است و با دقت در کتب فقهی درمی‌یابیم که فقها بحث فروش تسلیحات را در کتب خود مستقلاً دنبال نموده، هرچند شاهد اختلاف نظرانی در این زمینه هستیم.^۱ همان‌طور که سید یزدی^۲ و دیگران^۳ فرموده‌اند، اقوال در این مسأله متعدد است و به هشت قول می‌رسد.

بر اساس بداهت و ضرورت عقلی و همچنین با عنایت به نصوص و ادله، دانسته می‌شود که در فروش تسلیحات، تفاوت جدی میان فروش آن به شیعیان و غیر شیعیان وجود دارد و به این جهت در ادامه بحث از حکم تکلیفی ناظر به این دو قسم و به صورت جدا طرح می‌شود.

فروش بدافزار به غیر شیعیان

بر اساس تقسیم بندی عینی که در آیات و روایات نیز حکم آن نمود پیدا کرده است، دشمن به مسلمان و غیر مسلمان تقسیم می‌شود. در ادامه، ابتدا بحث از فروش سلاح سرد، به هر کدام از این دو دسته مطرح شده و سپس به امکان سرایت حکم به بدافزارها پرداخته می‌شود.

۱. قائلین به حرمت فروش سلاح در وقت جنگ مثل: ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۲۱۶؛ اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۸، ص ۴۴ و حرمت فروش سلاح به طور مطلق مثل: سلار دیلمی، المراسم، ص ۱۷۰؛ شهید اول، اللمعة، ص ۱۰۳؛ خوانساری، جامع المدارک، ج ۳، ص ۱۹.
۲. یزدی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۱۰.
۳. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۲۸.

مقصود از فروش بدافزار در مباحث آینده، فروش بدافزار به غیر شیعه‌ای است که در اختیار قرار دادن بدافزار به او، جنبه احتمالی اضرار به اسلام و مسلمین را دارد و جنبه اجتماعی دارد. پس مقصود مراودات و تعاملات شخصی با غیر شیعیان که جنبه اجتماعی و بین‌المللی ندارد و احتمال واسطیت شخص نیز برای دولت‌ها و حکومت‌ها وجود ندارد، نیست. البته حکم فروش بدافزار به شخص غیر شیعه، از مبحث حکم فروش بدافزار به شیعیان دانسته می‌شود.

۱. فروش بدافزار به غیر شیعیان مسلمان

در ارتباط با غیر شیعیان مسلمان، چنانچه در برخی روایات آمده، حکم حرمت فروش سلاح، اختصاص به زمان جنگ دارد. دو روایت حضرمی و هند سراج در این باره صادر شده است. در این روایات، بحث از فروش سلاح به سلاطین آن زمان مطرح شده است و شکی نیست که ایشان اگرچه شیعه نبودند، اما محکوم به اسلام بودند.^۱ در روایت حضرمی آمده است:

عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن علي بن الحكم عن سيف بن عميرة عن أبي بكر الحضرمي قال: «دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ حَكْمُ السَّرَاجِ مَا تَرَى فِيمَنْ يَحْمِلُ السُّرُوحَ إِلَى الشَّامِ وَ أَدَاتَهَا فَقَالَ لَا بَأْسَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ بِمَنْزِلَةِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّكُمْ فِي هُدْنَةٍ فَإِذَا كَانَتِ الْمُبَايَنَةُ حَرَمَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَحْمِلُوا إِلَيْهِمُ السُّرُوحَ وَ السَّلَاحَ».^۲

این روایت دو سند دارد که یکی منقول از کلینی^۳ و دیگری منقول از شیخ طوسی^۴ است که در هردو، تنها شخصی که ممکن است مورد مناقشه قرار گیرد، ابوبکر حضرمی است. اگرچه وی مدح شده، ولی توثیق نشده، و نهایتاً در اسناد کامل الزیارات و تفسیر قمی وارد شده است. اما در عین حال، محقق خویی وی را ثقه و جلیل می‌داند.^۵

در روایت دوم از هند سراج می‌خوانیم:

روى الحسن بن محبوب عن علي بن الحسن بن رباط عن أبي سارة عن هند السراج قال: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّي كُنْتُ أَحْمِلُ السَّلَاحَ إِلَى أَهْلِ الشَّامِ فَأَبِيعُهُ

۱. خویی، موسوعة الإمام الخوئي، ج ۳۵، ص ۲۹۴؛ تبریزی، إرشاد الطالب في شرح المكاسب، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۱۲.

۳. همان، ج ۹، ص ۶۳۹.

۴. طوسی، الاستبصار، ج ۳، ص ۵۷.

۵. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۳۱۹.

مِنْهُمْ فَلَمَّا عَرَفَنِي اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ ضَمْتُ بِذَلِكَ السَّلَاحِ قُلْتُ لَا أَحْمِلُ إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ قَالَ
 أَحْمِلْ إِلَيْهِمْ وَبِعُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْفَعُ بِهِمْ عَدُوَّنَا وَعَدُوَّكُمْ يَعْنِي الرُّومَ قَالَ فَإِذَا كَانَتْ
 الْحَرْبُ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فَمَنْ حَمَلَ إِلَى عَدُوَّنَا سِلَاحًا يَسْتَعِينُونَ بِهِ عَلَيْنَا فَهُوَ مُشْرِكٌ»^۱

کلینی، صدوق و طوسی هر یک به سندی این روایت را گزارش کرده‌اند؛ ولی هر سه به «ابی ساره» ختم می‌شود که مجهول است؛ لذا روایت، از جهت سندی ضعیف است.^۲ در برخی روایات ضعیف‌السند دیگر^۳ نیز چنین تعبیری به کار رفته است؛ مانند روایت سراد^۴ یا سراج^۵ که از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در جنگ، اقدام به فروش سلاح نکن. این فتوا اختصاص به فقهای شیعه نداشته و اهل سنت نیز به همین مطلب ملتزم شده‌اند.^۶ این روایات درباره جنگ سرد بوده و ناظر به فروش سلاح‌های تهاجمی است و حرمت فروش اسلحه به مسلمان غیر شیعه را محدود به زمان جنگ می‌داند. برای تسری حکم آن به بدافزارها باید یکی از راه حل‌های زیر پیگیری شود:

راه حل اول، استفاده از حکم عقل است. به این معنا که عقل مستقلاً حکم به قبح مطلق استعانت نسبت به غیر شیعیان مسلمان در زمان جنگ با آنها دارد، و آن را ظلم قطعی به شیعیان به حساب می‌آورد. بر این اساس، روایات وارد شده در این باب، ناظر به ارشاد به حکم عقلی است. در نتیجه، فروش بدافزار به مسلمان غیر شیعه نیز در زمان جنگ ساینبری، مشمول این بدهت عقلی شده و عدم جواز برای آن نیز ثابت می‌باشد.

مباحثات
 پژوهش‌های قضایی

تجارت بدافزارها از منظر فقه امامی

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۵.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۱۲؛ صدوق، الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۵؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۵۳.

۳. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۷۵.

۴. ضعف سند این روایت به جهت راوی اخیر از امام علیه السلام یعنی سراد یا سراج است؛ زیرا اگر سراد، صحیح باشد، مقصود حسن بن محبوب است که از اجلای اصحاب است و ثقه می‌باشد؛ ولی وی روایت بلاواسطه از امام صادق علیه السلام ندارد. بنابر این در سند، سقط واقع شده است. لذا نسخه شیخ طوسی در استبصار صحیح است که فرموده است: «السراد، عن رجل، عن ابی عبدالله علیه السلام». اگر مقصود از آن سراج باشد، مجهول می‌باشد، پس بر اساس هر دو نسخه، روایت، ضعیف‌السند است. ن.ک: خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۲۴، ص ۱۱۷.

۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۱۳.

۶. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۰۲.

۷. مرغینانی، الهدایة فی شرح البدایة، ج ۴، ص ۳۷۸.

راه حل دوم، تکیه بر وصف «يَسْتَعِينُونَ بِهٖ عَلَيْنَا» است که در روایت حضرمی وارد شده است؛ چه آنکه وصف مشعر به علیت بوده و حسب فهم عرف بر مناط کلی حکم دلالت دارد. بر این اساس، در زمان جنگ، علت تحریم فروش سلاح، این است که به واسطه آن علیه شیعیان استفاده می‌شود. بر این اساس، بدافزارها هم داخل در این عموم شده و مورد تحریم قرار می‌گیرند.

اما راه حل سوم تنقیح مناط حکم است. این راه، نیازمند شواهدی است که بتواند تنقیح مناط را به مرحله قطعیت برساند. تفاوت میان راه حل دوم و سوم این است که در راه حل دوم ادعای استظهار و برداشت عرفی مطرح است؛ به این صورت که شخص ادعا می‌کند که عبارت فوق، عرفاً ظهور در علیت برای حکم دارد. اما راه حل سوم استظهاری و عرفی نبوده، بلکه اجتهادی است. به این معنا که از شواهد و قرائنی می‌توان قطع یا اطمینان به علیت مطلب فوق برای حکم دست پیدا کرد.^۱ بر این اساس، با توجه به اینکه ملاک حرمت فروش سلاح به مسلمانان در ایام فتنه، عدم جواز تقویت آنها علیه شیعیان است، قطعاً موضوعی که در ادله آمده، خصوصیت نداشته و می‌توان از جنگ سرد به جنگ سایبری و از سلاح‌های جنگ سخت، به بدافزارها تعدی کرد؛ زیرا یقیناً دسترسی ایشان به بدافزارها نیز موجب تقویت علیه شیعیان می‌گردد.

شواهدی که بر تنقیح مناط و کشف ملاک مذکور می‌توان اقامه کرد، اولاً نفس تقیید حکم، به حرمت فروش در ایام فتنه است که عرفاً اشعار به علیت آن و متناسب با ملاک عدم جواز تقویت آنان علیه شیعیان است؛ ثانیاً حکم عقلی‌ای که در راه حل اول ذکر شد می‌تواند شاهد دیگری بر این تنقیح مناط باشد. گروهی از فقها نیز از این روایات، مناط برداشت کرده و نسبت به موارد دیگر تنقیح مناط کرده‌اند.^۲

البته باید توجه داشت که این حکم در زمان عدم وجود فتنه و برای استفاده علیه دشمن مشترک، از عدم جواز به جواز، بلکه وجوب تبدیل خواهد شد و آنچه که ملاک عدم جواز

۱. عبد الرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ج ۱، ص ۴۹۴.

۲. حسینی شیرازی، ایصال الطالب، ج ۱، ص ۳۲۶؛ یزدی، حاشیه مکاسب، ج ۱، ص ۱۱؛ تبریزی، ارشاد الطالب، ج ۱، صص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ خوبی، مصباح الفقاهة، صص ۱۸۹ و ۱۹۲.

است، وجود فتنه به جهت خوف استفاده از آن علیه شیعیان است.

۲. فروش بدافزار به غیر شیعیان اهل کتاب

نص خاصی در ارتباط با فروش سلاح به اهل کتاب وجود ندارد. لذا حکم فروش بدافزار به اهل کتاب باید بر اساس قواعد بررسی شود. البته محقق سبحانی با اطلاق کلام در بحث فروش سلاح به دشمنان، بر این باور است که ملاک عدم جواز، فروش به مطلق دشمنان شیعیان در فرض وجود خوف از آنها است و در غیر این فرض، فروش مانعی ندارد.^۱

در فروش بدافزار به اهل کتاب، امکان استفاده‌های نافع و مضر به شیعیان و یا حتی سایر مسلمانان متحد با شیعیان وجود دارد، لذا باید مصالح اسلام و مسلمین ملاحظه شده و در موارد ضرر اسلام و مسلمین، حکم به عدم جواز شود؛ مانند موردی که میان شیعیان و اهل کتاب، جنگ سایبری برقرار باشد؛ یا اینکه به صورت بالفعل، جنگی نرمی برقرار نباشد اما احتمال می‌رود که به زودی این چنین جنگی برقرار شود؛ یا اینکه آنها خودشان با شیعیان جنگی ندارند، ولی با افرادی متحد هستند که اگر شیعیان بدافزار را به آنها بفروشند، مانند این است که به متحدینشان فروخته‌اند و خوف سلطه بر حوزه اسلام وجود دارد. در مواردی که به نفع شیعیان یا مسلمانان متحد با آنها باشد و همچنین در موارد شک، - با توجه به وجود منافع حلال - می‌توان به عمومات حلّیت بیع و تجارت تمسک کرده و حکم به جواز نمود.

۳. فروش بدافزار به غیر شیعیان غیر اهل کتاب

در ارتباط با غیر شیعیان غیر مسلمان، با ملاحظه نصوص در می‌یابیم که حرمت فروش سلاح به آنها - فارغ از حکم مستقل عقل - اختصاص به حال جنگ نداشته و مطلقاً جایز نیست. در صحیحہ علی بن جعفر، ایشان از امام صادق علیه السلام درباره تجارت با مشرکین سؤال می‌کنند. حضرت در پاسخ، تجارت را در فرض اینکه مورد تجارت، سلاح نباشد جایز می‌داند.^۲ اگرچه اطلاق روایت شامل حالت جنگ نیز می‌شود، اما جلالت و علم سؤال‌کننده، یعنی علی بن

۱. سبحانی، المواهب فی تحریر احکام المکاسب، ص ۳۳۲.

۲. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۰۳.

جعفر، مانع اطلاق است؛ چرا که برای شخصیتی چون ایشان، واضح است که در حال جنگ، فروش سلاح و حتی غیر سلاح مثل طعام به غیر مسلمان جایز نیست. بنابر این، روایت سؤال راوی، منصرف از حالت جنگ بوده و اختصاص به غیر آن دارد.^۱

اما همان‌طور که در فرض مسلمانان غیر شیعه مطرح شد، تسری حکم موجود در این روایات به بدافزار، که سلاح به معنای خاص آن نیست، نیازمند برخی تدقیقات و راه حل‌های فقهی است. می‌توان چهار راه حل برای این مسأله ارائه داد:

در راه اول، عقل مستقلاً به قبح هر چه موجب تقویت کفار و بالا رفتن قدرت جنگ در آنها شود، حکم می‌کند.^۲ پس این حکم، به سلاح به معنای خاص آن اختصاص نداشته، بلکه به طریق اولی شامل بدافزار که سلاح در جنگ سایبری است نیز می‌شود؛ خصوصاً که امروزه در اهمیت بالاتری از جنگ سرد قرار دارد.

راه حل دوم مبتنی بر آیه هشتم سوره انفال است که در آن، خداوند امر به آماده نمودن تمام قوا و تجهیزات، برای ارهاب و جنگ با کفار نموده است. حال اگر فروش این تجهیزات به کفار جایز باشد، نقض غرض از این امر خواهد بود.^۳ واضح است که عموم این آیه، شامل تسلیحات جنگ سایبری، مانند بدافزار نیز خواهد شد. البته تذکر به این نکته لازم است که این آیه خود به تنهایی می‌تواند دلیل بر عدم جواز فروش بدافزار به کفار باشد و در عین حال یکی از شواهد بر تنقیح مناط در ادله فوق‌الذکر است.

راه حل سوم، مبتنی بر فقه‌ای از حدیث معایش العباد در تحف العقول است که معامله هر آنچه که موجب تقویت کفر و شرک شود را حرام می‌داند.^۴ شمول این روایت نسبت به محل بحث - به جهت وضوح - محتاج بیان نیست؛ ولی مشکلی که در این راه حل وجود دارد، اشکالات متعدد سندی و دلالتی است که بعضی از بزرگان به این روایت وارد ساخته‌اند.^۵

۱. تبریزی، إرشاد الطالب فی شرح المکاسب، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. خوبی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۳۵، ص ۲۹۵.

۳. همان، ص ۲۹۶.

۴. حرانی، تحف العقول، ج ۱، ص ۳۳۲؛ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۸۳.

۵. خلاصه اشکال سندی این است که این روایت مرسل بوده و برخلاف کسانی که قوت متن در این روایت را بی‌نیاز از سند دانسته‌اند، اضطرابات متنی و تهافتات بسیار در این روایت به ضعف سندی روایت دامن می‌زند. ن. ک: خوبی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۳۵، ص ۷.

راه حل چهارم استفاده از تنقیح مناط است. اساس این راه، همان است که در بحث فروش بدافزار به مسلمان غیر شیعه بیان شد؛ اما با توجه به عدم ذکر مناط در صحیحۀ علی بن جعفر و عدم وجود شواهد بر این مناط و تنقیح آن در موارد دیگر، این راه مشکل به نظر می‌رسد. نتیجه اینکه با توجه به ادله، فروش مطلق آنچه که موجب تقویت کفار - به جهت کفرشان - علیه مسلمانان می‌شود، به حکم اولی جایز نیست و بدافزارها نیز از این قانون کلی مستثنی نیستند. البته باید توجه داشت که تقویت شخص کافر - بدون تقویت جهت کفر - مثل اینکه به او آب یا غذا و امثال اینها فروخته شود، مانعی ندارد و در فرض عروض عنوان ثانوی، مثل مواردی که دفاع از حوزه اسلامی متوقف بر تقویت کفار باشد، حتی تقویت نظامی کفار با افراد و تجهیزات، جایز بلکه واجب می‌باشد.^۱

صاحب نظران معاصر نیز صریحاً بر این نکته اساسی تأکید نموده و قائلند که اگرچه عنوان سلاح در روایات منصرف به ابزاری است که به طور مستقیم در جنگ و مبارزه کارایی دارد، ولی نگاه به واقعیت‌های موجود، نقش تعیین کننده ابزارهای غیرنظامی را در شکست‌ها و پیروزی‌ها، شفاف می‌سازد. از این رو دایرة سلاح را گسترش داده و هر آنچه که در برتری نظامی دشمن کارایی داشته باشد، مثل پشتیبانی و حمل و نقل را، جزء ابزار جنگی تلقی کرده و آن را حرام می‌دانند.^۲ برای نمونه، امام خمینی فروش نفت به اسرائیل را به مثابه فروش اسلحه و حرام دانست.^۳ البته با توجه به نگاه یکپارچه ایشان به نظام اسلامی، تشخیص نظام، بر این مسأله حاکم است. به عبارت دیگر، چنانچه تشخیص دولت اسلامی بر این بود که در صورت فروش اسلحه به کافران، بنیۀ نظامی آنان تقویت می‌گردد، آن را ممنوع و اگر خطری در میان نبود، آن را اجازه می‌دهد.^۴ در حقیقت صلاحیت فروش سلاح را از شؤون و مسولیت‌های حکومت اسلامی می‌داند.^۵

در مجموع، بر این اساس می‌توان استنباط کرد که امکان تعمیم حکم موجود در لسان

مباحثات
پژوهش‌های قضایی

تجارت بدافزارها از منظر فقه امامی

۱. خوبی، موسوعة الإمام الخوئي، ج ۳۵، ص ۲۹۸.

۲. خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۴۹۶.

۳. همو، مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. همو، المکاسب المحرمة، ج ۱، ص ۲۲۸.

۵. همو، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۴۹۶.

فقها نسبت به سلاح و جنگ سرد، به مباحث جنگ سایبری و فروش بدافزارها نه تنها ممکن است، بلکه به جهت افزایش تنش‌ها میان دول اسلامی و سایر کشورهای غیرمسلمان از ضرورت اساسی برخوردار می‌باشد.

فروش بدافزار به شیعیان

احکام فروش بدافزار به شیعیان، بسته به اطلاع یا عدم اطلاع از کاربرد آن متفاوت خواهد بود:

۱. با آگاهی به استفاده حلال مشتری از بدافزار

در بدافزارها جهت حلال وجود دارد که منفعت بسیار مهم و قابل توجه عقلا است. بدین‌رو مشمول ادله و عمومات جواز بیع به شیعیان است. البته در نگاه ابتدایی، ظاهر واژه «بدافزار»، قرابتی با منفعت حلال ندارد؛ اما دقت در وضعیت دنیای امروز و عمق نفوذ ارتباطات، ما را به این نتیجه می‌رساند که ارتباطات مجازی، تقریباً همه زیرساخت‌های حیاتی بشر را در بر گرفته است. این مسأله باعث بروز تهدیدات جدید و به تبع، مقابله و پیشگیری‌هایی متفاوت خواهد بود و در این رابطه، نمی‌توان نقش بی‌بدلیل بدافزارها را نادیده گرفت؛ خصوصاً با توجه به وضعیت جنگ سایبری که علیه شیعیان در دنیا به راه افتاده است.

توضیح بیشتر اینکه امروزه به موازات قدرت یافتن ابزارهای مجازی و نرم‌افزاری، شاهد تغییر ماهیت در نوع جنگ‌ها و نحوه استیلا و غلبه دولت‌ها بر یکدیگر می‌باشیم. هرچند در شرایط کنونی، کشور ما در دوران صلح نظامی به سر می‌برد، اما در صدر حملات جنگ سایبری از سوی دشمنان قرار گرفته است. ارائه تعاریف متفاوت و بسیار فراتر از باور سنتی از مرز که شامل آب، خاک و آسمان است، منجر به توسعه در تعریف مذکور و مواجهه با حقیقت دنیای بدون مرز گردیده است. در چنین شرایطی، حفظ امنیت و تداوم نظام اسلامی به میزان قابل توجهی به زیرساخت‌های ملی کشور در خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات وابسته است. به کارگیری این فناوری، همان‌گونه که از یک سو موجب افزایش سرعت و کیفیت ارائه خدمات در سطوح مختلف کشوری می‌شود، از سوی دیگر می‌تواند سبب بروز تهدیدهای جدید شود. این امر مستلزم آن است که در کشور، به موازات مدیریت دفاعی از مرزهای فیزیکی، اقداماتی نیز به منظور مقابله با تهاجمات ناشی از جنگ و

ماهیچ‌و
پژوهش‌های علمی

سال ۱۴۰۰، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

حملات سایبری صورت گیرد. به منظور تحقق این مهم، برای دفاع و حفظ کشور از آسیب‌های مطرح شده نیاز به پدافند غیرعامل^۱ احساس می‌شود و از آنجا که تأمین راهبردها و راهکارهای امنیت از بیگانگان ممکن نیست، می‌توان ادعا کرد که تولید این برنامه‌ها توسط شرکت‌های دولتی یا خصوصی و فروش آن به مدافعان فضای جنگ سایبری - چه در داخل کشور و چه در خارج آن مانند شیعیان لبنان و ...-، با هدف خنثی‌سازی این تهاجمات، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

افزون بر ترسیم چشم انداز دفاعی بنابر عموماً فوق، در چنین جنگ‌های غیرمحسوس که بر خلاف جنگ‌های کلاسیک، از طریق مواجهه حضوری نبوده، ضروری است برای حفظ و افزایش قدرت نظام اسلامی، بنابر دو قاعده مقابله به مثل و حفظ نظام، به تجارت و استفاده متقابل از این بدافزارها اقدام شود. اگرچه، حکم انجام اعمالی نظیر جاسوسی و سرقت اطلاعات، حرمت است، اما طبق قواعد مذکور می‌توان در موارد اقتضای ضرورت مانند امنیت، حکم به جواز و یا حتی وجوب آن نمود.^۲

۲. با آگاهی به استفاده حرام مشتری از بدافزار

تجارت بدافزارها و برنامه‌های ویروسی نوعاً با هدف اضرار به غیر و یا سرقت مالی و اطلاعاتی و دیگر جرایم سایبری مرتبط صورت می‌گیرد.^۳ این هدف نوعی، گاه تنها دلیل بر وقوع چنین معاملاتی است و قصد طرفین از انعقاد آن با علم به آثار مخرب این برنامه‌ها و منحصرأ با هدف تحقق آنها صورت می‌گیرد. بدیهی است نظر به قصد اشتراکی حرام در طرفین معامله در خصوص ایجاد و ظهور این آثار سوء، چنین بیعی قطعاً حرام خواهد بود و فقها در استدلال به حرمت حکم مورد نظر، به عدم خلاف و اعانه بر اثم استناد کرده‌اند.^۴ در مقابل هدف مذکور، مسأله قابل بررسی، حالتی است که مقاصد انتفاعی و مالی در

ما اجتهاد
پژوهش‌های قضایی

تجارت بدافزارها از منظر فقه امامی

۱. پدافند غیرعامل عبارت است از طرح‌ریزی و اقداماتی که موجب کاهش آسیب پذیری‌ها و افزایش پایداری و تداوم فعالیت‌های دستگاه‌ها و سیستم نظام در مقابل تهدیدات خارجی گردیده و مستلزم به کارگیری سلاح نیست و نوعی دفاع غیر مسلحانه است: غلامی و خدارحمی، کارکردهای پدافند غیرعامل، ص ۱۲.
۲. ر.ک: علوی، «جواز جاسوسی برای نظام سیاسی در فقه شیعه»، سیاست متعالیه، ج ۲۰، صص ۱۵۶-۱۴۱.
۳. زارع و سعدی، بدافزار و پدافند غیرعامل، ج ۱، صص ۱۴-۱۵.
۴. انصاری، کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۱۲۹.

بایع مورد توجه قرار گیرد و قصد فروشنده برخلاف خریدار، تحقق آثار سوء ناشی از کاربرد چنین برنامه‌هایی نبوده و تنها به عنوان یک تجارت مورد نظر باشد. رویکردی که با نظر به اهداف مورد استفاده، در زمره بزرگ‌ترین تجارت‌های الکترونیکی به شمار آمده و ثروت‌های کلان قابل توجهی را نصیب تاجران و کاربران آنها می‌نماید. در چنین شرایطی محل تردید، آن است که با توجه به داعی کاربران این‌گونه برنامه‌ها، تجارت آنها را با فرض علم فروشندگان از این مقاصد سوء در معامله، آیا باید ملحق به درآمدهای نامشروع دانست یا خیر؟

در مقام پاسخ به این سؤال، اگرچه این مسأله از جمله موضوعاتی است که نصی در این خصوص وجود ندارد، ولی با تتبع در ادله، به روایات و قواعدی همچون اعانه بر اثم می‌رسیم که می‌توان از آنها حکم مسأله را استخراج نمود.^۱

دلیل نخست (روایات): روایات این بحث، عموماً در مورد فروش شیء با علم به استفاده حرام از آن می‌باشد، به طوری که قصد عمل حرام از ناحیه بایع منتفی است. البته آنچه که قابل بررسی است، وجود تعارض میان این روایات است؛ به این صورت که برخی بر جواز و برخی بر حرمت چنین معامله‌ای دلالت دارند. بر همین اساس، اقوال میان علما نیز به دو دسته تقسیم شده است که گزینش هر یک نیازمند بررسی اجمالی دیدگاه‌ها می‌باشد:

الف. قائلین به جواز تجارت، با علم به حرمت و بدون قصد: این دیدگاه که مختار اکثر فقها می‌باشد^۲، به دو صورت به حل تعارض ادله پرداخته و در نتیجه آن، حکم به جواز چنین بیعی حکم صادر نموده است:

اول: اکثر فقهای امامیه جواز چنین معامله‌ای را با استناد به همین روایات متعارض صادر

۱. عمر بن اذینه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که از ایشان درباره مردی پرسیدم که دارای باغ انگور است و انگورهای باغ را به کسی می‌فروشد که می‌داند آن‌ها را تبدیل به خمر می‌کند. آیا جایز است؟ فرمودند: انگورها را در هنگامی فروخته که شرب و اکلش حلال بوده و بیع او اشکالی ندارد. (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۳۰). البته این روایات در تعارض با ادله دیگر که منع از چنین بیعی کرده قرار دارد. برای نمونه عمر بن اذینه روایت کرده است که مردی چوب‌هایی دارد و به کسی که آن‌ها را تبدیل به صلیب می‌کند می‌فروشد، آیا چنین حقی دارد؟ فرمودند: خیر. (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۷۶). همچنین در روایت عمر بن حریث آمده است: من درختان توتی دارم که چوب‌های آن را به کسی که صلیب و صنم می‌سازد می‌فروشم. آیا جایز است؟ فرمودند: خیر. (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، صص ۱۷۷-۱۷۶).

۲. انصاری، کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۶۶.

نموده‌اند و برای رفع این مشکل به جمع میان ادله متعارضه پرداخته‌اند. شیخ انصاری، دو نوع جمع را مطرح می‌کند. بر اساس راه حل اول، می‌توان اخبار تحریم را به صورت اشتراط یا تبانی بر حرام، و اخبار تحلیل را به صورت علم به مصرف حرام حمل کرد. خود شیخ این اشکال را مطرح می‌کند که بعید است فرد مسلمان، صورت اشتراط حرام را در معامله خویش لحاظ نماید.^۱ این قول علاوه بر ایراد وارده، دارای اشکال جمع تبرعی و ممنوعیت پذیرش آن از جانب مشهور اصولیان است.^۲ به این بیان که هر دو گروه از روایات مذکور اطلاق داشته، و شامل صورت اشتراط و غیر اشتراط می‌شوند و مجرد وجود قدر متیقن برای هر کدام، موجب نمی‌شود که اطلاق هر یک منصرف به قدر متیقن شده و حمل بر آن شود.^۳

بر اساس روش دوم، باید اخبار مانع را بر کراهت و اخبار تحلیل را بر جواز حمل کرد. دلیل اینکه نهی در آنها به معنای کراهت بوده، عبارت از اخبار دیگری است که بیع را در چنین صورتی مکروه دانسته و گروهی از فقها به این اخبار نیز فتوای به کراهت داده‌اند.^۴ شاهد این حمل، روایتی از حلبی است که در آن از امام صادق علیه السلام سؤال شده: عصیر عنبی را به کسی می‌فروشیم که از آن خمر می‌سازد، آیا این کار جایز است؟ امام می‌فرماید: «اگر به فردی که می‌دانی از آن سرکه درست می‌کند بفروشی نزد من محبوب‌تر است».^۵ در استدلال به این روایت به «أَحَبُّ إِلَيَّ» که نشان دهنده ارجحیت است، استناد شده که یعنی وجه دیگر معامله مرجوح است و این همان معنای کراهت می‌باشد.^۶

این راه نیز مورد اشکالاتی قرار گرفته است: اولاً قبول اینکه لفظ «أَحَبُّ إِلَيَّ» دلالت بر کراهت داشته باشد مورد پذیرش نیست؛ زیرا تفضیل، دلالت بر محبوب بودن هر دو طرف

۱. همان، صص ۱۳۱-۱۳۰.

۲. جمع تبرعی یعنی جمع میان دو دلیل متعارض با رفع ید از ظاهر هر دو دلیل، یا یکی از آن دو و یا تأویل دلایل یا یکی از آن‌ها بدون اینکه برای آن شاهد عرفی وجود داشته باشد. ن.ک: مظفر، اصول الفقه، ج ۳، ص ۲۳۰؛ نائینی، فوائد الأصول، ج ۴، ص ۷۲۷؛ همو، أجدود التقریرات، ج ۲، ص ۵۱۲.

۳. خوبی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۱۷۵.

۴. محقق حلّی، شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۴؛ علامه حلّی، قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۷؛ همو، إرشاد الأذهان، ج ۱، ص ۳۵۷؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۳۱.

۵. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۳۱؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۳۷.

۶. انصاری، کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۱۳۱.

دارد، ولی یکی از آنها محبوبیتش بیشتر است. ثانیاً بر فرض که دلالت صحیحیه بر کراهت پذیرفته شود، با توجه به روایت اَبی کَهَمَس که معصوم این فعل را به خودشان نیز نسبت داده‌اند، منوط به این است که انجام فعل مکروه از معصوم را بپذیریم؛ حال آنکه بنا بر اعتقاد مکتب تشیع، حتی یک‌بار صدور مکروه نیز از معصوم بعید است، چه برسد به بارها.^۱

با توجه به اشکالات وارد شده، برخی فقها به شکل دیگری به تحلیل این روایات پرداخته و ضمن اشاره به تفاوت موضوع این دو دسته روایات، ادعا نموده‌اند که اساساً در اینجا تعارضی وجود ندارد تا بخواهیم به جمع میان آنها بپردازیم.^۲ به این ترتیب که نهی در اخبار مانع، شامل فروش چوب به مشتری برای ساخت بت و صلیب، و اخبار مجوز، شامل فروش انگور با علم به ساخت خمر می‌شود. در حقیقت این قول، اشعار به نظریه امور مهم دارد؛ یعنی مواردی که بیش از سایر موضوعات مورد اهتمام شارع هستند.^۳ با این توضیح که فروش با علم به ساختن صلیب و بت، چون از اموری هستند که شارع به هیچ وجه درباره آن مسامحه نمی‌کند، حرام، و فروش سایر موارد که از اهمیت کمتری نسبت به مورد قبل برخوردار است، جایز است. برخی، اگرچه این تفصیل را سخنی قاطع می‌یابند، اما به دلیل خرق اجماع، آن را مورد تردید قرار داده‌اند؛^۴ اما محقق خویی پس از رد مشکل مذکور، معتقد است این نظریه موجه و قابل دفاع است؛ زیرا فعل‌های مقدماتی از جهت حرمت و جواز، به شدت و ضعف ذی‌المقدمه بستگی دارد. به این تعبیر که حرمت مقدمات امور مهمی چون حفظ دین و یا نفس، بسیار محتمل‌تر از سایر امور حرام است.^۵ ضمن اینکه اولین قائل به نظریه تفصیل، شیخ صدوق است،^۶ و لذا قول به تفصیل، موجب خدشه اجماع مرکب نمی‌شود؛ چون اساساً وجود این اجماع مورد تردید و مناقشه است.^۷

۱. خویی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲. انصاری، کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۱۳۰؛ خویی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۱۷۵.

۳. سورة نساء، آیات ۱۱۶ و ۴۸.

۴. انصاری، کتاب المکاسب، صص ۱۳۲-۱۳۱.

۵. خویی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۱۷۵؛ منتظری، دراسات في المکاسب المحرمة، ج ۲، ص ۲۹۵.

۶. ابن بابویه، المقنع، ص ۳۹۰.

۷. نظریه فصل، قائلین دیگری نیز دارد: طوسی، النهایة، صص ۳۶۹ و ۴۰۳؛ ابن ادریس، السرائر الحاوی

لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۲۲۵.

وجه دیگری در باب جمع اخبار متعارض راجع به حکم فروش همراه علم به مصرف در حرام وارد شده است. به این شرح که اخبار مجوز را در مورد معامله با کسی جاری بدانیم که شغل حرام دارد، ولی مشخص نیست که خصوص مبیع را صرف حرام کند و اخبار مانع را بر موردی حمل کنیم که بایع علم دارد مبیع به طور قطع صرف حرام خواهد شد.^۱ البته با اندکی دقت نظر در روایات مورد نظر، عکس این نظریه نتیجه می‌شود؛ زیرا در صحیحۀ رفاعه - که یکی از روایات جواز است - آمده است: «أَلَسْنَا نَبِيعُ تَمْرَنَا مِمَّنْ يَجْعَلُهُ شَرَاباً حَيْثُ؟». این تعبیر، دست کم ظهور در علم به استفاده حرام دارد؛ زیرا ضمیر در «يَجْعَلُهُ» به همان مبیع خاص بر می‌گردد.

دوم: برخی فقها، وجوه جمع میان اخبار را مورد مناقشه قرار داده و به بررسی آنها ذیل قواعد باب تعارض پرداخته‌اند.^۲ به این دلیل که اولاً حمل اخبار به کراهت، موجب ایجاد شبهه صدور عمل مکروه از جانب معصوم می‌شود که این با عقاید شیعه در تضاد آشکار است؛ ثانیاً نظریه تفصیل، به دلیل وجود اخباری که دلالت بر حرمت مواردی دارند که موضوع آنها خشب و شرک نیست، پذیرفته نخواهد بود.^۳ با توجه به اینکه یکی از مرجحات باب تعارض، ترجیح به قوت سند است و موافق عموماتی چون حلیت تجارت از روی تراضی است، بر اخبار حرمت، رجحان می‌یابند و روایات حرمت طرح می‌شوند؛ و اگر قائل به رجحان، یک دسته نشده و اخبار را در تکافؤ ببینیم، باید (با توجه به اختلاف مبانی) یا قائل به تخییر یا تساقط شویم و در صورت تساقط ادله به دلیل همان عمومات ذکر شده، حکم به جواز معامله خواهیم کرد.^۴

ب. قائلین به حرمت تجارت، با علم به حرمت و بدون قصد: مشخص شد که اکثر فقها در رویارویی با ادله متعارض، با دو رویکرد متفاوت، قائل به جواز چنین معاملاتی شده‌اند. در ادامه به نظرات مخالفان و ادله آنها پرداخته می‌شود:

اول: صاحب ریاض در مواجهه با این نصوص به اشکال مهمی اشاره و برای گریز از آن،

۱. یزدی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۷.

۲. ایروانی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۱۵.

۳. ایروانی فقط به ذکر این ادعا کفایت کرده و اشاره‌ای به این اخبار ننموده است.

۴. ایروانی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۱۵.

حکم به احتیاط می‌کند. در واقع مطلبی که ایشان را وادار به صدور فتوای مخالف اکثر می‌کند، این است که از طرفی خود را در مقابل نصوص صریح و صحیحی می‌بیند که به وفور در منابع معتبر وارد شده و از طرفی قواعد کلی را رصد می‌کند که شاهد بر این است که این معاملات نمی‌توانند جایز باشند و در نتیجه ترک چنین معاملاتی را توصیه می‌کند.^۱

دوم: امام خمینی بر این باور است که اخبار جواز، مغایر با کتاب و سنت مستفیض و مغایر با عقل، و روایات نهی از منکر بلکه مخالف اصول مذهب و منافی با ساحت مقدس معصومین علیهم‌السلام است. از این رو، ایشان به طور صریح، حکم کنار گذاشتن این روایات را صادر می‌کند.^۲ ایشان از مکانیسم اخبار عرض یا اخبار علاجیه استفاده کرده و معتقد است که اخبار عرض و معیار آن به قدری اهمیت دارد که می‌توان با آن خبر صحیح و صریح را کنار گذاشت. به نظر می‌رسد این نظریه قابل دفاع باشد. در واقع کثرت روایات صحیح و صریح در این زمینه از یک سو، و شهرت صدور فتوا بر این اساس از سوی دیگر، مانع مقاومت و ایستادگی فقها در برابر آن شده است؛ تا آنجا که فقهای بزرگ پیش گفته به این نصوص متمایل گشته و سعی در توجیه آن نموده‌اند. در حالی که باید پیش از مراجعه به نصوص، اصول دیگری را در نظر بگیریم که سازوکار اخبار عرض، یکی از اصول مورد اشاره است. بنابر این چنانچه تاجری بخواهد نرم‌افزاری را معامله کند که با توجه به کاربرد سوء آن بدافزار تلقی گردد، قطعاً نمی‌توان حکم به جواز را صادر کرد. از آنجا که عقل حکم می‌کند که باید از هر عملی که نزد مولی مبعوض است جلوگیری کرد، بنابر این، مقدمه و زمینه‌ساز این عمل، نمی‌تواند جایز باشد. پس مطابق نصوصی که از پشتوانه عقلی متقنی برخوردارند، حکم به حرمت این معاملات به طور قطع موجه می‌نماید.

دلیل دوم (قاعده اعانه بر اثم): در راستای بررسی دقیق این دلیل در حیطه بحث مورد نظر، درمی‌یابیم که نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد و شاید به همین دلیل است که بحث، معركة آرای مختلف فقهی است.

مشکل از اینجا نشأت می‌گیرد که برای اثبات حرمت، به قاعده اعانه بر اثم تمسک شده و

۱. طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۸، ص ۱۴۷.

۲. خمینی، المکاسب المحرمة، ج ۱، ص ۲۱۹.

این در حالی است که موضوع مورد بحث، مقدمه حرام است و نه خود حرام. بنابر این چالش اصلی بحث این خواهد بود که آیا اعانه بر مقدمه حرام نیز حرام است؟ در حقیقت حتی اگر مشتری قصد استفاده حرام از بدافزار را داشته باشد، ولی نفس تملیک بدافزار به وی، مقدمه حرام است و نه خود حرام. از این رو باید بحث را در راستای اعانه بر مقدمه حرام دنبال کرد.

از نظر مشهور فقها، اعانه یعنی انجام مقدمات فعل غیر به طور مطلق. با این وجود نسبت به موضوع شناسی اعانه، اختلافات زیادی وجود دارد.^۱ همان طور که اشاره شد، تعاریف مذکور در جهت تبیین اعانه بر حرام هستند و بسیاری از این تعاریف توان اثبات حرمت اعانه بر مقدمه حرام را ندارند. از همین رو، برخی فقها در پی توجیه این مسأله بوده‌اند.^۲ به طور مثال محقق اردبیلی معیار دوگانه‌ای را ارائه نموده است؛ وی اعتبار قصد یا صدق عرفی را در تحقق اعانه، به صورت شرطیه مانعة الخلو لازم دانسته است.^۳ شیخ انصاری نیز بعد از تحلیل و بررسی نظریات متفاوت نهایتاً با ایشان هم سو شده و تقریباً آن را می‌پذیرد؛^۴ با این بیان که حتی اگر فروشنده قصد سوء در فروش بدافزار نداشته باشد، صدق عرفی اعانه در این زمینه کافی است که ما را به حکم حرام برساند. به تعبیر دیگر، اگر قصد فرد به مقدمه‌ای تعلق گیرد که منحصراً عمل حرام بر آن ترتب یابد، عرفاً عنوان اعانه صدق می‌کند؛ حتی اگر قصد حرامی در کار نباشد. اما چنانچه قصد فرد به مقدمه‌ای تعلق گیرد که مقدمه غیرانحصاری فعل حرام باشد، عرفاً اعانه محسوب نمی‌شود. با توجه به ماهیت بدافزارها و دنیای تجارت‌های الکترونیکی، می‌توان ادعا کرد که از دید عرف، این تجارت، مقدمه انحصاری تلقی شده و عرف با آن چنان می‌کند که با خود حرام انجام می‌دهد.

در این نظریه که با نگاه مقصدگرا به تحلیل بحث می‌پردازد، فرقی بین فعل حرام و مقدمه آن وجود ندارد؛ به این دلیل که مقصد شارع از حرمت اعانه بر اثم، قلع ماده فساد است. در واقع هدف شارع آن است که فضای جامعه برای عامل گناه ناامن شده و عامل حرام، خود را

مباحث

پرونده‌های قضایی

تجارت بدافزارها از منظر فقه امامی

۱. نراقی، عوائد الأيام، ص ۷۸؛ ایروانی، حاشیه المکاسب، ج ۱، صص ۱۶-۱۵؛ یزدی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۷؛ نائینی، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۱۱؛ خویی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۱۷۶.
۲. نراقی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، ص ۷۲؛ انصاری، کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۱۳۸.
۳. اردبیلی، زیادة البیان فی احکام القرآن، ص ۲۹۸.
۴. انصاری، کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۱۴۵.

تنها یابد و انگیزه خود را در ارتکاب حرام از دست بدهد؛ از این رو هر گونه مساعدت وی، مغایر با مقصد شرع خواهد بود. حکم عقل به قبح این کار نیز مؤید حکم تحریمی است.^۱ البته محقق نائینی بین مقدمات نزدیک و دور تفاوت قائل شده و برای هر کدام به تناسب، حکم مستقلى را تبیین می‌کند.^۲ اما حتی بر این اساس نیز، با دقت در ملاحظات فضای مجازی، می‌توان ادعا نمود که فاصله فروش بدافزار تا انجام فعل مجرمانه، به حدی نزدیک است که می‌توان آن را به عنوان مقدمات قریبه لحاظ، و به تبع، حکم به حرمت نمود. با این تفاسیر می‌توان نتیجه گرفت که معامله بدافزارها با علم به استفاده حرام یعنی علم به اضرار به دیگران، هم بنابر مبنای قاعده اعانه بر اثم و هم برطبق جامعیت نگاه شارع بر مبنای اصول مقصدگرا، حرام خواهد بود.

حکم وضعی فروش بدافزارها

بین احکام تکلیفی و وضعی، رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ به این ترتیب که هیچ حکم وضعی وجود ندارد، مگر اینکه در کنار آن حکم تکلیفی وجود دارد؛ مانند زوجیت که حکم وضعی است و در کنار آن احکامی تکلیفی از قبیل وجوب انفاق بر زوج، وجوب تمکین بر زوجه و... وجود دارد.^۳

بر اساس مباحث پیش گفته، در مواردی که معامله بدافزار جایز و بلا اشکال است، در رابطه با حکم وضعی آن شبهه‌ای وجود ندارد. اما بحث در مواردی مطرح می‌شود که معامله بدافزار حرام بوده، و به آن معامله نهی تعلق گیرد. سؤال اساسی از حکم وضعی این معامله است. این موضوع در مبحث نهی از معاملات، مورد توجه اصولیان قرار گرفته است.^۴ مسلم است که اگر نهی موجود از این معامله - با توجه به ادله سابق - نهی تکلیفی باشد، قطعاً موجب فساد معامله نخواهد شد، و همان‌طور که در علم اصول مطرح شده، نهی تکلیفی از معاملات، مستلزم فساد نیست؛ اگرچه ممکن است دلیل بر فساد معامله، از جهت دیگری

۱. خمینی، المکاسب المحرمة، صص ۲۱۵-۲۱۴.

۲. نائینی، منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، ج ۱، صص ۱۲-۱۱.

۳. صدر، المعالم الجدیة للأصول، ج ۱، صص ۱۲۵-۱۲۴.

۴. آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ص ۱۸۷.

غیر از این نهی وجود داشته باشد. اما اگر نهی از این معاملات، ارشادی باشد، یعنی ارشاد به فساد این معاملات داشته باشد، طبعاً موجب فساد خواهد بود. اگر این قسم ثابت شود، ثبوت حرمت تکلیفی در موارد گذشته مورد مناقشه قرار می‌گیرد؛ مگر اینکه از طریق دیگری ثابت گردد.^۱ لذا مهم در این مقام، تشخیص چگونگی نهی موجود در محل بحث است.

مواردی که حرمت آن از دیدگاه حکم تکلیفی ثابت شد، سه مورد بود. در ارتباط با مورد اول، یعنی حرمت فروش بدافزار به مسلمان غیر شیعه در زمان فتنه، از ادله اقامه شده بر حرمت، اعم از حکم عقل، روایات و یا تنقیح مناط، حرمت وضعی استفاده نمی‌شود؛ زیرا تقویت دشمن در زمان جنگ، ملاک و موضوع حکم عقل به قبح است، و عقل از جهت انتقال یا عدم انتقال مال به شخص مقابل، حاکم نیست. روایات هم بر اساس تناسب میان حکم (نهی از معامله) و موضوع (فروش سلاح به دشمن در حال جنگ و فتنه)، صرفاً ناظر بر بحث تکلیفی بوده و نظارتی به حکم وضعی ندارند؛ همان‌طور که در بیع وقت اذان ظهر جمعه، فقها به مناسبت حکم و موضوع، چنین حکم کرده‌اند^۲، و فرض این است که نهی تکلیفی هم منجر به فساد نمی‌شود. علاوه بر اینکه این نهی، به عنوانی خارج از معامله، یعنی تقویت دشمنان، تعلق گرفته است^۳ و تعلق آن به معامله، صرفاً از باب انطباق کلی بر مصادیق است؛ و لذا به نفس معامله تعلق نگرفته است تا احتمال دلالت آن بر ارشاد و فساد وجود داشته باشد. نتیجه این می‌شود که در این مورد دلیلی بر فساد معامله وجود ندارد.

در مورد دوم، یعنی حرمت فروش بدافزار به غیر مسلمان مطلقاً، نیز همین مطالب وجود دارد؛ البته بر اساس بعضی مبانی، استدلال به روایت تحف العقول نیز ممکن است. از آنجا که این روایت، در مقام بیان معاملات صحیح و فاسد است، بر اساس آن، حکم به فساد معامله مذکور می‌شود.^۴ البته این در صورتی است که این روایت را ناظر به احکام تکلیفی معاملات ندانیم؛ کما اینکه بعضی احتمال داده‌اند^۵ و ظاهر کلام شیخ انصاری نیز چنین

مباحث

پرونده‌های قضایی

تجارت بدافزارها از منظر فقه امامی

۱. خویی، موسوعة الإمام الخوئي، ج ۳۵، ص ۳۰۰.

۲. تبریزی، إرشاد الطالب في شرح المكاسب، ج ۱، ص ۱۸۸؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱۸، ص ۲۱۰.

۳. خویی، موسوعة الإمام الخوئي، ج ۳۵، ص ۳۰۰.

۴. خوانساری، جامع المدارک، ج ۳، ص ۹.

۵. یزدی، حاشية المكاسب، ج ۱، ص ۵؛ ایروانی، حاشية المكاسب، ج ۱، ص ۳.

است^۱؛ یعنی ایشان نیز ظهور روایت را در حکم تکلیفی می‌دانند.

در ارتباط با مورد سوم، یعنی حرمت فروش بدفزار به شیعیان با فرض استفاده حرام از آن نیز، دلیل حرمت این معاملات یا روایات خاصی بود که ذکر شد و یا عنوان اعانه بر اثم است که هر کدام که باشد، معامله فاسد نخواهد بود؛ زیرا فقها روایت خاصه را ظاهر در حرمت تکلیفی دانسته‌اند و در ارتباط با اعانه بر اثم، با توجه به اینکه نهی به عنوانی خارج از معامله تعلق گرفته است، دال بر فساد معامله نمی‌باشد.

نتیجه نهایی این است که در تمام فروض مذکور، معامله صحیح است، مگر فرض دوم در صورتی که مستند حدیث تحف العقول باشد و این روایت ناظر به معاملات صحیح و فاسد دانسته شود. البته باید توجه داشت که بعضی در محل بحث، قائل به فساد شده و وجوهی را اقامه کرده‌اند^۲ که از توضیحات فوق، پاسخ آنها به وضوح فهمیده می‌شود.

ضرورت هم سویی متون قانونی با احکام فقهی، منجر به تأیید این دیدگاه و برخورداری آن از ضمانت اجرای قانونی شده است. مطابق ماده ۲۱۷ قانون مدنی: «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد، والا معامله باطل است». در واقع در این ماده، بطلان معامله از جهت داعی منوط به تصریح شده، پس مطابق نص صریح قانون، چنانچه شخصی فقط علم به جهت نامشروع داشته باشد، باعث بطلان معامله نخواهد بود. اگرچه استفاده از کلمه «تصریح» در ماده قانونی، دلالت بر تطبیق دیدگاه قانون‌گذار با فقها دارد؛ اما برآیند دکترین حقوقی از این ماده فراتر از مقصود فقها و نص قانون می‌باشد؛ زیرا از نظر ایشان با وجود اینکه لزوم حفظ ثبات قراردادها ایجاب می‌کند که نیت‌های پلید و پنهانی نتواند به درستی عقد خلل وارد کند، ولی شیوه بیان جهت، اهمیتی در تأثیر آن ندارد. ممکن است به صورت شرط ضمن عقد بیان شود، یا از اوضاع و احوال کار چنین برآید که به نظر عرف در حکم تصریح باشد. این تعبیر وسیع، نه تنها از نفوذ قراردادهای نامشروع می‌کاهد، بلکه از تبانی دو طرف بر خلاف قانون جلوگیری می‌کند؛ زیرا پنهان داشتن

۱. یزدی، حاشیه‌المکاسب، ج ۱، ص ۱۸.

۲. بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱۸، ص ۲۰۹.

هدف نامشروع و مشترک، آنان را به مقصود نمی‌رساند.^۱ اما همان‌طور که بیان شد رویکرد مشهور فقهی و نص قانون به این مسأله، تحدید دامنه سلب مشروعیت معامله در مواردی است که جهت حرام میان طرفین به صراحت مورد توافق قرار گیرد و منظور از این صراحت، برابر این نصوص تصریح به صورت شرط است. بنابر این، معاملاتی که جهت نامشروع به صورت مذکور در آن مورد توافق نیست، صحیح است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به ماهیت خرابکارانه بدافزار، چنانچه طرف معامله، مسلمان غیر شیعه باشد، می‌توان بر پایه حکم عقل یا عموم علت و یا تنقیح مناط از روایات بیع سلاح، حرمت بیع بدافزار را در صورتی که میان ما و آنان جنگ سایبری برقرار باشد، اثبات کرد. در معامله با اهل کتاب با توجه به نبود نص خاص حتی در بیع سلاح، باید طبق قاعده مشی نمود و طبعاً متوقف بر قصد طرفین معامله و شرایط آن دو است و اگر موجب خوف ضرر بر اسلام و مسلمین نشود، بی اشکال است.

فروش و انتقال بدافزار به کافر غیر کتابی با توجه به تعدی از نصوص روایی مطلقاً حرام است، چنان که معامله بدافزار با شیعیان در فرض قصد منافع حرام توسط طرفین، جایز نیست. در صورتی که فروشنده قصد منفعت حرام ندارد، اما بداند مشتری قصد استفاده حرام دارد، برخی قائل به جواز شده‌اند؛ ولی می‌توان به جهت قلع و از بین بردن ماده فساد قائل به حرمت شد.

صحت وضعی معامله در صور جواز تکلیفی، بی تردید ثابت است. در مواردی نیز که حرمت تکلیفی برقرار است با توجه به مفاد ادله، می‌توان حکم به صحت نمود، چه آنکه طبق نظر مشهور فقها مبنی بر نبود تلازم میان حکم تکلیفی و وضعی دلیلی بر بطلان وجود ندارد. این حکم مورد تأیید نص قانون نیز می‌باشد.

ماجرای
پژوهش‌های قضی

تجارت بدافزارها از منظر فقه امامی

۱. کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی، صص ۱۴۵-۱۴۴؛ صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، صص ۱۴۰-۱۳۸.

منابع و مأخذ

۱. ابن ادريس، محمد بن منصور، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعة مدرسين علميه قم، ج ۲، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن بابويه، محمد بن علي، شيخ صدوق، المقنع، قم: مؤسسه امام هادي عليه السلام، ج ۱، ۱۴۱۵ق.
۳. _____، كتاب من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج ۲، ۱۴۱۳ق.
۴. اردبيلي، احمد، مقدس اردبيلي، زبدة البيان في أحكام القرآن، تهران: المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية، ج ۱، [بي تا].
۵. اردبيلي، احمد، مقدس اردبيلي، مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج ۱، ۱۴۰۳ق.
۶. انصاري، مرتضى، كتاب المكاسب، قم: كنگره بزرگداشت شيخ انصاري، ج ۱، ۱۴۱۵ق.
۷. ايرواني، علي بن عبدالحسين، حاشية المكاسب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ج ۱، ۱۴۰۶ق.
۸. آخوند خراساني، محمد كاظم، كفاية الاصول، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ج ۱، ۱۴۰۹ق.
۹. آيوک، جان، ويروسها و بدافزارهاى کامپيوترى، ترجمه بابک بشرى زاده و آرش حبيبي لشكري، تهران: انتشارات ناقوس، ۱۳۹۱ش.
۱۰. بحراني، يوسف بن احمد، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۵ق.
۱۱. تبريزي، جواد، إرشاد الطالب في شرح المكاسب، قم: دار الصديقة الشهيدة عليه السلام، ۱۳۸۹ش.
۱۲. حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ج ۱، ۱۴۰۹ق.
۱۳. حسيني شيرازي، محمد، ايصال الطالب الى المكاسب، تهران: منشورات اعلمي، ج ۱، [بي تا].
۱۴. خميني، روح الله، مجموعه سخنراني هاي حضرت امام خميني، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ۱۳۷۱ش.
۱۵. _____، المكاسب المحرمة، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ج ۱، ۱۴۱۵ق.
۱۶. _____، تحرير الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، ج ۱، [بي تا].
۱۷. خوانساري، احمد، جامع المدارك في شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعيليان، ج ۲، ۱۴۰۵ق.
۱۸. خويي، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، [بي جا]: [بي نا]، ۱۳۷۲ش.
۱۹. _____، موسوعة الإمام الخوئي (المكاسب المحرمة)، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئي، ۱۴۱۸ق.
۲۰. _____، مصباح الفقاهة، [بي جا]: [بي نا]، [بي تا].

۲۱. داوری، مجید، «همه چیز در مورد بدافزار»، فصلنامه فرهنگ و دانش پدافند غیرعامل، تهران: دانشگاه جامع امام حسین، ش ۱، ۱۳۹۳ش.
۲۲. رشتی، محمدرضا، رشتی، زهرا، نیکدل، زهرا، مجموعه مقالات و گزارشات دربارۀ امنیت فضای تولیدی و تبادل اطلاعات، ترجمه و گردآوری مرکز مدیریت امداد و هماهنگی عملیات رخدادهای رایانه‌ای کشور، تهران: نهضت پویا، ۱۳۸۸ش.
۲۳. زارع، محمدرضا، سعدی، حمیدرضا، بدافزار و پدافند غیرعامل، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۹ش.
۲۴. سبحانی تبریزی، جعفر، المواهب فی تحریر احکام المکاسب، قم: مؤسسه الامام الصادق، ۱۳۸۲ش.
۲۵. سلار دیلمی، حمزه، المراسم العلویة و الأحکام النبویة، قم: منشورات الحرمین، چ ۱، ۱۴۰۴ق.
۲۶. محمد بن مکی، شهید اول، اللعنة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت: دارالتراث، چ ۱، ۱۴۱۰ق.
۲۷. صدر، محمداقبر، المعالم الجدیة للاصول، قم: کنگرۀ شهید صدر، چ ۲، ۱۳۷۹ش.
۲۸. صفایی، حسین، دورۀ مقدماتی حقوق مدنی، تهران: نشر میزان، چ ۴، ۱۳۸۵ش.
۲۹. طباطبایی، علی بن محمد، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل‌البتی، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الکتب العربی، چ ۲، ۱۴۰۰ق.
۳۱. _____، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۳۲. عاملی، جواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۹ق.
۳۳. عبدالرحمان، محمود، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۳۴. عزیززی، مجید، تاریخچه ویروس‌های کامپیوتری، تهران: نیاسا، ۱۳۹۲ش.
۳۵. حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۰۸ق.
۳۶. حلّی، حسن بن یوسف، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۳ق.
۳۷. _____، إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۰ق.
۳۸. علوی، علی اصغر، «جواز جاسوسی برای نظام سیاسی در فقه شیعه»، سیاست متعالیه، قم: انجمن مطالعات سیاسی حوزه، ش ۲۰، ۱۳۹۷ش.
۳۹. غلامی، علیرضا، خدارحمی، حبیب، کارکردهای پدافند غیرعامل در رویارویی با تهدیدهای نرم و سخت، تهران: مؤسسه انتشاراتی جهان جام جم، چ ۱، ۱۳۹۵ش.
۴۰. کاتوزیان، ناصر، دورۀ مقدماتی حقوق مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۲، [بی‌تا].
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳ش.
۴۲. محمودی، علی، بهترین روش‌های مبارزه با ویروس‌های کامپیوتری، تهران: دانشگاهی کیان، ۱۳۹۴ش.
۴۳. مرغینانی، علی بن ابی بکر، الهدایة فی شرح البدایة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۴۴. مصطفوی، محمداکظم، مائة قاعدة فقهیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۴، ۱۴۲۱ق.

۴۵. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چ ۵، ۱۴۳۰ق.
۴۶. منتظری، حسین علی، دراسات في المكاسب المحرمة، قم: نشر تفکر، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۴۷. نائینی، محمدحسین، أجود التقریرات، قم: مطبعة العرفان، چ ۱، ۱۳۵۲ش.
۴۸. _____، فوائد الأصول، قم: جامعة مدرسين حوزه علمیه قم: چ ۱، ۱۳۷۶ش.
۴۹. _____، منية الطالب في حاشية المكاسب، تهران: المكتبة المحمدية، چ ۱، ۱۳۷۳ق.
۵۰. نجفی، محمدحسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چ ۷، ۱۴۰۴ق.
۵۱. نراقی، احمد بن محمد، عوائد الأيام في بيان قواعد الأحكام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۵۲. یزدی، محمدکاظم، حاشية المكاسب، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۲۱ق.